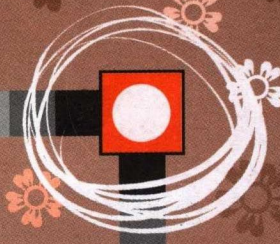




نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک

پنجشنبه ۱۶ شهریورماه ۱۳۸۵





مکالمه بین دو عروسک

عروسک ۱: اگر اتفاقی برای ما نیفتد چه می‌شود؟

عروسک ۲: منظورت چیست؟

عروسک ۱: چون اگر عروسک گردانی نباشد که بداند چگونه ما را حرکت دهد، ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم.

عروسک ۲: شاید آنها ما را در موزه‌ای بگذارند، چه تنهایی است از یاد رفتن در قفسهای

شیشه‌ای.
عروسک ۱: خوب شبایدا در کنار ماسک‌های زیبای آفریقایی قرار بگیریم. هر دو (در حالت تعظیم به تماشاگران!) لطفاً اگر هر یک از شما ما را در موزه دیدید به ما اشاره ای بکنید، این علامت نشان می‌دهد که شما ما را در روزهای بهتری دیده اید و ما به جز موزه‌ها در قلب شما نیز جای داریم.

پل مک فارلین

امروز چه می‌بینید؟

تالار اصلی ۲۰/۳۰ و ۱۸/۳۰: مسخ (کرزیستف راتو)

تالار چهار سو ۱۹/۳۰ و ۱۷: پانتارای دو (شارلوت بویک یولن)

تالار قشقای ۱۸/۳۰ و ۱۶/۳۰: پهلوان پنبه (فریبا ریسی)

تالار سایه ۱۹ و ۱۶: انیمالیا (خوزه و ناوارو)

تالار کوچک ۱۹/۳۰ و ۱۸: مالیخولیای گذر زمان (خوزه لوئیس ناوارو)

تالار نو ۱۸: نمایش سایه (شون کنان)

تالار هنر ۱۹ و ۱۷: شلا کریملائکوم (پاتریک سیمز)

مرکز تولید تئاتر عروسکی کانون ۱۹/۳۰ و ۱۷: گاو (حامد زحمتکش)

و مهدی فرشیدی سپهر)

تالار فردوسی ۲۰: اپرای عروسکی رستم و سهراب (بهروز غریب‌پور)

تالار مولوی ۱۸/۴۰: مثل‌های عروسکی (فرناز بهزادی)

فرهنگسرای اشراق ۱۰: اسب آبنوس (محمدحسن نجفی)

فرهنگسرای بهمن ۱۴: دیو و کچلک (سعید باغبانی)

فرهنگسرای ابن سینا ۱۷: عاشق شدن به فصل سرما (محمدتقی

اسماعیلی)

فرهنگسرای هنر ۱۷: پیام آفتاب (داود فتحعلی‌بیگی)

نمایش‌های خیابانی

تئاتر شهر ۱۷: این عروسک مال کیه (ایرج کله‌چاهی اصل)

تئاتر شهر ۱۸: ارابه نمایش‌های ایرانی (ابوالفضل ورمزبار)

تئاتر شهر ۱۹: نه این دیگه واسه ما درس نمی‌شه (بهناز مهدیخواه)

تئاتر شهر ۲۰: رقص چوب (مهدی آبناس و مهدی یوسفی)

پارکینگ تالار وحدت ۲۲ و ۱۸/۳۰: مزرعه حیوانات (پاول ژکوتاک)

فرهنگسرای اندیشه ۱۸: لگ درازها (محسن پورقاسمی)

فرهنگسرای اقوام ۱۸: لطفاً پنهان نشوید (رجبعلی فلاح)

فرهنگسرای رازی ۲۰: خواننده اپرا (علیرضا ناصحی)

فرهنگسرای فدک ۱۸: کیسه جادو (مهدی اسماعیلی)

اهدای جوایز عکاسی

مراسم اهدای جوایز بخش عکس یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک، جمعه شب در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر برگزار می‌شود.

این مراسم ساعت ۲۰/۳۰ پیش از اجرای سانس دوم نمایش مسخ برگزار خواهد شد. در این برنامه جوایز برگزیدگان توسط نماینده‌ی اسپانسر مسابقه اهدا می‌شود.

حسین پارسایی - رییس مرکز هنرهای نمایشی - و جواد ذوالفقاری - دبیر شورای سیاستگذاری و قائم مقام جشنواره - در مراسم اهدای جوایز عکاسان برگزیده حضور خواهند داشت.

گفتنی است اجرای برنامه را نیز حمید جبلی برعهده دارد.

شازده کوچولو همه را به تالار اصلی کشاند

نمایش «شازده کوچولو» از کشور ارمنستان، بیشترین تعداد تماشاگران را در روز چهارم جشنواره به خود اختصاص داد؛ به طوری که دو طبقه تالار اصلی هنگام اجرای این نمایش کاملاً پرشده بود. بسیاری از کودکان همراه خانواده‌هایشان در حالی که چیپس و پفک می‌خوردند، به دیدن این نمایش آمده بودند.

نمایش «شازده کوچولو» تلفیقی از اجرای عروسکی و زنده است که براساس داستان محبوب «شازده کوچولو» نوشته آنتوان دوستن اگزوپری آماده شده است.

توضیح کتاب جشنواره

سردبیری کتاب این دوره جشنواره تئاتر عروسکی را بابک فرجی بر عهده داشت. در هیأت تحریریه‌ای که فرجی را یاری داده‌اند اشتباهی رخ داده بود که بدین وسیله تصریح می‌شود. در کادر هیأت تحریریه نام بهرام شیخ الاسلامی به اشتباه فروغ سجادی ذکر شده که بر و بچه‌های کاتالوگ مورد فوق را تصحیح کردند.

گزارش کارگاه‌های خارجی در ششمین روز جشنواره

کارگاه تخصصی نمایش «شلاکریملائکوم» فردا با حضور «پاتریک سیمز» نویسنده و کارگردان این اثر برگزار می‌شود. این نمایش که محصول مشترک کشورهای فرانسه، آمریکا، انگلستان و پرتغال است امروز و فردا در تالار هنر به صحنه می‌رود و کارگاه آن در روز جمعه، ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰ در تالار هنر برپا می‌شود. گروه نمایشی هلند که امسال با «پانتارای II» در جشنواره شرکت کرده بودند فردا دومین جلسه از کارگاه خود را که به معرفی و چگونگی ساخت عروسک و نمایش این شهر می‌پردازد در تالار کوچک تئاتر شهر برگزار می‌کنند. این کارگاه از ساعت ۱۰ تا ۱۳ برپا می‌شود. «روی فراتی» نیز سومین و آخرین روز کارگاه خود را فردا در کافه تریای تئاتر شهر برپا می‌کند. این کارگاه که به بررسی متدهای تئاتری آگوستو بوال می‌پردازد، از ساعت ۹ تا ۱۳ برگزار می‌شود. نشست مطبوعاتی گروه «انیمالیا» از کشور انگلستان و گروه نمایشی «شلاکریملائکوم» نیز فردا برگزار می‌شود.

نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

گروه خبر و گزارش: ندال طیب، مریم رضازاده
گروه نقد و مقاله: رضا آشفته، امید بی نیاز، محمدرضا رستمی،
آزاده سهرابی، بهزاد صدیقی و مهدی عزیزی
حروفنگار: ابراهیم نجفی
ویراستار و نمونه‌خوان: جواد قاسمی
مدیر فنی و ناظر چاپ: انوشیروان میرزایی
لینوگرافی ۱۲۸ - تلفن: ۶۶۹۶۴۱۳۰
چاپخانه و صحافی: نخستین - تلفن: ۶۶۷۰۵۴۶۲

زیر نظر ستاد برگزاری جشنواره
سردبیر: رامتین شهبازی
مدیر هنری: حسین نوروزی
مدیر اجرایی: حمیدهنری
دبیر عکس: رضا معطریان
با همکاری رتوفه رستمی و مهسا کریمی
ترجمه: امیلی امرایی
با سپاس ویژه از اسدالله امرایی

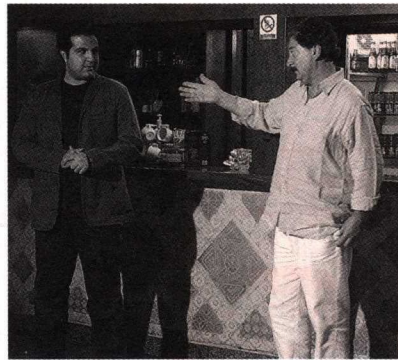


گزارش کارگاه تخصصی «روی فراتی»

رابطه عروسک و عروسک گردان نیاز به تفکر دارد

«روی فراتی»، مدیر فعلی تئاتر سستمیدگان پاریس و دستیار آگوستو بوال دیروز اولین جلسه از کارگاه سه‌روزه خود را در کافه تریای تئاتر شهر برگزار کرد.

«روی فراتی» فعالیت حرفه‌ای خود را در تئاتر از سال ۱۹۷۴ شروع کرد و بعد از برزیل به پرتغال و لندن و نهایتاً هم به پاریس رفت و در آنجا با کارگردانهای مطرحی چون آرن مونشکین، باب ویلسن و... کار کرد. پیش از این هم زمانی که فراتی جوان بازیگری بود و در یک گروه تئاتری در کشور خودش، برزیل، فعالیت می‌کرد، از آنها برای شرکت در جشن هنر شیراز دعوت شده بود ولی به دلایل شرایط سیاسی برزیل این اتفاق نیافتاد و از همان زمان یکی از رویاهای او سفر به ایران و شرکت در یک فستیوال تئاتری بود.



او وظیفه اصلی هنرمندان را پیشبرد انسانیت در دنیا دانست و فضای جشنواره‌های تئاتر را بهترین مکان برای تحقق این هدف دانست. فراتی در ارائه کارگاه خود با اشاره به رابطه بین بازیگر و کارگردان یا عروسک و عروسک گردان، گفت: «اگر رابطه عروسک و عروسک گردان یک رابطه همراه با تفکر و زنده، نباشد یا این تصور به وجود

بیاید که عروسک باید گوش به فرمان عروسک گردان باشد، در این صورت ما دچار خطا شده‌ایم. زیرا که عروسک بیان زنده‌ای دارد که در رابطه با ذهنیت عروسک گردانش شکل یافته و به تماشاگر منتقل شده است و درست به مانند رابطه بازیگر و کارگردان است.»

دستیار آگوستو بوال در ادامه صحبت‌های خود، گفت: «تئاتر همواره از دل

مردم و مشکلات آنها در جامعه‌شان حرف می‌زند، پس ضرورت وجودی هر تئاتری در ارتباط متقابل و مستقیم با تماشاگر خود است، لذا در یک پروژه تئاتری، بازیگران و کارگردان با چیزی که در جامعه‌شان وجود دارد متحد می‌شوند.» وی سیر به روشهای آموزشی آگوستو بوال اشاره کرد و گفت: «برخی فکر می‌کنند برای پیروی از روش‌های بوال وظیفه دارند که بر روی صحنه با هم جر و بحث راه بیاندازند، در حالیکه در این شیوه قرار است ما پرسوناژها را پیدا کنیم و تمرین‌های بوال نیز در راستای همین پرسوناژها است. درست همانند رابطه‌ای که عروسک گردان با عروسک خود پیدا می‌کند.

وی، افزود: «عروسک گردان برای پیدا کردن حس‌های عروسک خود و ایجاد ارتباط با او نیاز به تفکر دارد و حتی خیلی مواقع احساس می‌کند که این حس هنوز برآورده نشده‌است، پس آن را تغییر می‌دهد و این همین تفکری است که در تئاتر بین انسان و انسان ایجاد می‌شود.»

در ادامه این کارگاه، «روی فراتی» به چگونگی رابطه بین بازیگر و کارگردان پرداخت و گفت: این کارگردان تئاتر در بخش دیگری از صحبت‌های خود به تئاتر عروسکی اشاره کرد و گفت: «همواره در شرایط بحران‌های سیاسی و اجتماعی جوامع مختلف، عروسک‌ها تنها ابزاری بودند که به‌راحتی می‌توانستند تمامی مفاهیم را منتقل کنند، در حالی که از گذشته تا

به امروز نسبت به تئاتر عروسکی یک پیش فرض وجود داشته، اما باید قبول کرد که تئاتر عروسکی هم یک فرم است که قرار است با مخاطب خود رابطه برقرار کند و تنها نتیجه این ارتباط اهمیت دارد.»

وی در ادامه این کارگاه قصد دارد تا متدهای بوال را با هنرجویان این کارگاه طی دو روز باقی مانده تمرین کند.

احمد نبی‌فر، مسؤول طراحی فضا سازی جشنواره عروسکی

جشنواره‌های هنری نیاز به فضا سازی و تبلیغات هنری دارند

احمد نبی‌فر، که فعالیت خود را با طراحی گرافیک در جشنواره‌های تئاتر و سینما آغاز کرده‌است، در جشنواره‌ی عروسکی یازدهم تهران - مبارک نیز طراحی فضا سازی جشنواره و مراسم اختتامیه را به عهده دارد.

وی درباره نحوه فعالیت خود در جشنواره عروسکی، گفت: «بعد از سابقه فعالیت در چندین جشنواره مختلف، تأکید زیادی داشتم که باید بر روی فضا سازی و تبلیغات محیطی جشنواره‌های فرهنگی - هنری کار بیشتری می‌شود که جدا از برنامه‌های روتین دولتی باشد.»

او می‌گوید: «در جشنواره عروسکی باید سازه‌های جشنواره زیبا و ظریف باشد و به‌گونه‌ای طراحی شود که قابل لمس و جذاب باشد. به همین دلیل هم در فضا سازی تأکید زیادی بر موضوع جشنواره نداشتیم، بلکه می‌خواستیم فضای عروسکی کار را به تماشاگر منتقل کنیم، لذا از رنگ‌ها و فرم‌های جذاب و کودکانه شروع کردیم تا مردم را جذب این فضا سازی‌ها کنیم.»

نبی‌فر، معتقد است که در جشنواره‌های هنری، خیلی به فرم و فضاهای تبلیغاتی شاد توجه نمی‌شود و مردم به این فضاها عادت ندارند، به همین دلیل نیاز است تا طی یکی - دو سال یا بیشتر بر روی این‌گونه‌ها تمرکز کنیم و سپس به سمت کارهای جدید برویم و فکر می‌کنم نتیجه کلی این فضا سازی‌ها مطلوب باشد.

نبی‌فر که از یک هفته قبل از آغاز جشنواره عروسکی فعالیت اجرایی خود را به‌همراه گروه‌اش آغاز کرده است، علاوه بر فضا سازی‌های محوطه بیرون تئاتر شهر و سایر سالن‌های نمایشی، مشغول کار بر روی فضاهای مراسم اختتامیه است

تماشاگران عزیز لطفاً به موقع بیایید

راهنمایان تالارهای تئاتر شهر از تماشاگران خواستند به موقع به دیدن نمایش‌ها بیایند.

راهنمای تالار نو که دیروز با ازدحام بی سابقه تماشاگران روبه‌رو شده بود، می‌گوید: «تماشاگرانی که بلیت سانس اول کار استرالیا را داشتند به دیدن نمایش آمدند و بعد از آنکه تمام تماشاگران آمدند، نیمی از سالن خالی ماند. به همین دلیل تعدادی از تماشاگران را که بلیت سانس دوم نمایش را داشتند، به این تالار فرستادیم اما پس از آن و در شرایطی که نمایش شروع می‌شد حدود ۱۰۰ نفر دیگر آمدند که بلیت سانس اول را داشتند و به همین دلیل با ازدحام عجیبی روبه‌رو شدیم.»

البته این مشکل تنها منحصر به این موضوع نمی‌شود. در هر نوبت تعدادی از تماشاگران به خاطر تأخیر در مراجعه به تالارها، پشت درهای بسته تالارهای نمایش می‌مانند و راهنمایان تالارها نمی‌توانند آنها را به داخل سالن نمایش راه دهند.

استقبال بی نظیر از «پانتارای II»

نمایش عروسکی «پانتارای II» از کشور هلند، روز گذشته بیشترین تماشاگران را به تالار چهارسو کشاند. «پانتارای II»، با کارگردانی «شارلوت پویک» نمایش عروسکی بود که براساس فلسفه «هراکلیوس» طراحی و کارگردانی شده بود و به دلیل مطرح بودن گروه نمایش عروسکی هلند، بیشترین تماشاگران در نخستین اجرای این نمایش به تالار چهارسو آمدند که در میان برنامه‌های چهار روز اول جشنواره عروسکی، این استقبال بی‌سابقه بود.



ما کمتر از خارجی‌ها نیستیم

نمایش عروسکی با بازی دادن چند عروسک بر صحنه خاتمه نمی‌یابد. بلکه نقش مهمی را در حیات فرهنگی جوامع مختلف شهری ایفا می‌کند. و به یکی از مؤثرترین مولفه‌های فرهنگی در جامعه بدل شود. در آستانه برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک با هما جدی کار، عضو شورای سیاستگذاری و کمیته انتخاب آثار بین‌المللی این جشنواره گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌آید.

آموزش دانشگاهی برای این نمایش وجود دارد ولی بازار کار ما هماهنگ با این آموزش نیست. بازار کار ما براساس نیاز جامعه تعریف نشده است. در واقع این زنجیری که به هم وصل است، گسسته شده است. آموزش به تنهایی کامل است ولی اینکه به کجا می‌رود معلوم نیست. اینکه انسان از کودکی با نمایش عروسکی آشنا شود و آموزش درستی ببیند و به صورت پدیده در گسترش خلاقیت اش تاثیر بگذارد امر مهمی است که متأسفانه ما چنین برنامه‌ای را نداریم.

پتانسیل آموزشی ما در ایران کفایت می‌کند و یا نیاز به بهره‌گیری از توان اساتید خارجی وجود دارد؟

شما در همین جشنواره کارهای ایرانی را با خارجی قیاس کنید. ما کمتر از کشورهای خارجی نیستیم. ممکن است از نظر تکنیکی مقداری عقب باشیم ولی از نظر فکر، زیبایی‌شناسی، صحنه‌آرایی، عروسک‌سازی و حتی متن خیلی جلوتر از کشورهای خارجی هستیم. متأسفانه نمایش عروسکی ماجایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است.

چرا بیشتر کسانی که در دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی مشغول تحصیل هستند تمام تلاش خود را معطوف به درآمدزایی از طریق ساخت عروسک برای اجرای برنامه‌های تلویزیونی می‌کنند. شاید همین موضوع سبب می‌شود که نیروی جوان برای آموزش تئاتر عروسکی به کودکان و نوجوانان به حداقل برسد؟

نیروی جوانی که در دانشگاه درس خوانده در درجه اول صحنه را تر چیح می‌دهد، اگر ما امکان اجرای صحنه‌ای داشته باشیم مسلماً این‌ها خیلی کمتر جذب بازار تلویزیون می‌شوند. ولی چون بازار صحنه‌ای نداریم، مجبورند برای گذران زندگی و به خاطر اینکه در رشته خود نیز باقی بمانند به آن طرف مراجعه کنند. شما در سال نگاه کنید، ببینید کدام سالن نمایش عروسکی داشته است؟ هر دو سال یکبار عین یک مریض رو به موت در جشنواره یک تنفس مصنوعی به آن داده می‌شود. بازار تئاتر ما بیشتر دست دولت است. بازارهای خصوصی مثل اجراهایی که در خانه نمایش و یا مجموعه فرهنگی ورزشی چمران است مشتری و نوع اجرای خود را دارند. آنها تحصیل کرده آکادمیک نیستند و به صورت تجربی کار کرده‌اند. ولی کسانی که آکادمیک کار کرده‌اند ترجیح می‌دهند در سالن‌های اجتماعی و تئاتری کار کنند، ولی وقتی این امکان را ندارند مجبور می‌شوند سراغ جاهای دیگری مثل تلویزیون بروند.



برگزاری جشنواره‌ها همچون این جشنواره بین‌المللی را برای ارتقای نمایش عروسکی مناسب می‌دانید و در کل روند برگزاری جشنواره تئاتر عروسکی را رو به رشد می‌بینید یا نه؟

جشنواره‌ها محل تبادل نظر هستند چه ایرانی و چه خارجی. خیلی خوشحالم که هر دو سال یکبار این اتفاق می‌افتد. ولی ای کاش ما یک جشنواره ملی داشتیم تا منتخبین آن جشنواره ملی که از اجراهای در طول سال انتخاب می‌شدند به جشنواره بین‌المللی می‌آمدند نه اینکه اکثر اجراهای ما دانشجویی باشند این خوب است که گروه‌های دانشجویی ما توان شرکت در جشنواره بین‌المللی را می‌یابند و باعث افتخار من مدرس است. ولی هر کدام از اینها جایگاه خود را دارد. وقتی ما جشنواره بین‌المللی داریم نباید همان اجراهای جشنواره بین‌المللی دانشجویی در آن اجرا شود بلکه باید یک درجه از آن بالاتر باشد.

متأسفانه در این چند سال من روند جشنواره را رو به رشد ندیده‌ام. امیدوارم بعد از این رو به رشد رود. جشنواره‌های سال‌های اول خیلی خوب بود، چون در آنها به کیفیت اجراها توجه می‌شد. ولی الان محدودیت‌هایی ایجاد شده که مثلاً می‌گویند تعداد بازیگران کم باشد، وسایلشان کم باشد و... این امر کمک می‌کند تا اجراهای ضعیف تری نسبت به گذشته داشته باشیم.

اساساً جامعه چه نیازی به نمایش عروسکی دارد و لزوم اجرا و آموزش تئاتر عروسکی در جامعه چیست؟

عروسک همیشه همراه انسان بوده چه از کودکی و چه در بزرگسالی. این همراهی به انسان کمک می‌کند تا باری از مشکلات جامعه ماشینی را از دوش خود بر زمین گذارد. این امر نیازمند آن است که نمایش عروسکی که می‌تواند در جامعه کاربردهای گوناگونی داشته باشد، آموزش داده شود. باید به صورت مرتب در سالن‌ها اجرا داشت تا تماشاگران، نمایش عروسکی را ببینند و بشناسند.

وضعیت آموزش تئاتر عروسکی در ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در حال حاضر آموزش نمایش عروسکی بیشتر در سه دانشکده تهران، هنر و سوره است. در بعضی از مراکز مثل مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیما و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز در حال انجام است ولی این که آموزش با چه هدف و برای چه افرادی برنامه ریزی شده خیلی دقیق نیست. بهبود این امر نیاز به بازنگری در کاربردهای نمایش عروسکی دارد که وقتی به آن فکر می‌کنیم به عنوان یک ابزار به آن نگاه می‌کنیم یا به عنوان یک هدف و وسیله. اگر نمایش عروسکی هدف باشد با نمایش آن تمام می‌شود ولی از نظر من نمایش عروسکی می‌تواند یک ابزار باشد برای کاربردهای مختلف. به عنوان نمونه برای آموزش تمامی دروس، عرف جامعه، اخلاقیات، دین و... می‌تواند به بهترین وجه مورد استفاده قرار گیرد.

جنبه آموزشی این نمایش در میان کودکان چگونه می‌تواند باشد؟

وقتی یک رابط بسیار قوی به نام عروسک در میان معلم و کودک قرار داشته باشد آموزش خوبی انجام خواهد گرفت. اگر معلم به صورت خشک سرکلاس درس دهد ممکن است کودک را خسته و فراری کند. ولی وقتی یک عروسک با همان لباس و تصویر درس را تعریف کند، مثل یک فیلم و داستان در ذهن کودک جا می‌گیرد و دیگر نیازی به حفظ کردن کتاب و خواندن مکرر درس نیست.

این امر می‌تواند به کودک راه پژوهش را نشان دهد. ما در دوره فوق لیسانس تازه می‌خواهیم پژوهش را شروع کنیم. اگر از کودکی این روش وجود داشته باشد، آموزش همراه با نمایش عروسکی به دنبال خود تحقیق می‌آورد و کودک را علاقمند به آن می‌سازد. کاربردهای وسیع نمایش عروسکی نیاز آموزش و اجرای آن را در جامعه کاملاً مشخص می‌سازد.

وضعیت این آموزش در دانشگاه‌های ما به چه صورتی است؟

آموزش در دانشگاه‌ها مشخص است. این آموزش در ابتدا براساس الگوهای فرنگی بوده که اکنون براساس نیازهای امروزی تغییر یافته است. به عنوان مثال واحد خیمه شب بازی از سه سال پیش در دانشگاه تهران تدریس می‌شود. نتیجه آن این است که امسال یک سالن داریم که تماشای به اجرای نمایش‌های سنتی عروسکی و خیمه شب بازی اختصاص دارد و پنج شش نفر مختلف در آن کار می‌کنند. این نمایش دیگر فقط محدود به مرحوم احمدی و خسه‌های نیست.



پابره‌نه‌ها و افسانه‌هایی که روایت می‌کنند

گروه تئاتر عروسکی پابره‌نه‌ها سال‌هاست که در سالن‌های تئاتر، کتابخانه‌ها و موزه‌ها برنامه اجرا می‌کند و حالا در سراسر آمریکا به اندازه شخصیت‌های کارتونی و انیمیشن شناخته شده‌است.

پابره‌نه‌ها نزدیک به دو دهه پیش یک گروه تئاتر عروسکی دانشجویی بود، اما حالا نوجوانان و کودکان آمریکایی تمام قصه‌ها و افسانه‌های فولکلور جهانی را از خاورمیانه تا آفریقا از عروسک‌های گروه یاد می‌گیرند. ورود این گروه به هر ایالتی همراه است با هیجانی وصف‌نشدنی در تمام مدارس، مهد کودک‌ها و کتابخانه‌های آن ایالت، اما بیش از هر شهر و منطقه دیگری اهالی ایالت ویرجینیا با این گروه و عروسک‌های معروف شان آشنا هستند، آن قدر که مگی لاک واکر می‌گوید: «غلب بچه‌های ایالت ویرجینیا افسانه‌های هزارو یک شب، قصه‌های آفریقایی و داستان‌های سرخوستان را می‌دانند.»

اما آخرین و پر بیننده‌ترین اجرای گروه پابره‌نه‌ها، در خلیج مکزیک و برای طوفان زدگان کاترینا بود، گروه در اوایل ماه جولای با تمام عروسک‌هایش در کتابخانه ویران شده و در دست تعمیر این شهر برای کودکان حادثه دیده برنامه‌های مهیجی اجرا کرد و یکی از این برنامه‌ها قصه شاهزاده زرین

دهان هندی و افسانه علاءالدین و چراغ جادو بود. گروه پابره‌نه‌ها این روزها خود را برای اجرای برنامه در موزه هنرهای کودکان بوستون آماده می‌کند. همچنین قرار است در پایان ماه اکتبر این گروه افسانه‌های به نام دختر ماهرو را برای کودکان و والدین شان در تئاتر برادوی به روی صحنه ببرد، این ششمین یاری است که پابره‌نه‌ها به برادوی راه می‌یابند. همچنین مرغ کوچک قرمزی و عنکبوت طلایی دو شخصیت محبوب این گروه عروسکی هستند، این گروه در

حال حاضر مشغول آماده کردن نمایش جدیدی از سلسله تئاترهای عروسکی مرغ قرمز کوچولو تحت عنوان مرغ نانی کوچولو است، حکایت جوجه‌ای که می‌خواهد نانی شبیه خودش درست کند. هر یک از عروسک‌گردان‌های این گروه

خود دستی هم در ساخت عروسک‌ها دارد، عروسک‌ها تماماً از مواد طبیعی مانند پارچه، چوب و نخ طراحی و ساخته می‌شوند، یکی دیگر از نکات قابل توجه در فعالیت‌های پابره‌نه‌ها نحوه طراحی و ساخت عروسک‌هاست. مگی لاک واکر می‌گوید: «ما تمام تلاش مان بر پایه این نکته است، که عروسک‌هایمان به هیچ وجه شبیه به شخصیت‌های انیمیشن نشود، در همین راستا در طول برنامه‌هایی که در مدارس و کتابخانه‌های کودکان اجرا می‌کنیم، از آنها می‌خواهیم شخصیت‌های مورد علاقه‌شان را طراحی کنند و درست براساس نگرش بچه‌ها به حیوانات، طبیعت و دیگر شخصیت‌ها دست به ساخت عروسک‌هایمان می‌زنیم و این همان نکته‌ای است که باعث می‌شود کودکان از لحاظ روانشناسی با عروسک‌ها ارتباط برقرار کنند.»

علاءالدین و چراغ جادو یا پسری از بغداد یکی از مشهورترین داستان‌های این گروه است که در طرح حمله آمریکا به عراق اعضای گروه پابره‌نه‌ها با استفاده از این داستان سعی داشتند.

موقعیت جغرافیایی و فرهنگ خاورمیانه را به کودکان معرفی کنند. در این داستان اعضای گروه دو شخصیت به نام بوبین و بو را وارد کرده بودند که در طول سفر به علاءالدین کمک می‌کردند تا او راحت‌تر به عشق‌اش شاهزاده یاسمین برسد، از طرفی موسیقی یکی دیگر از عناصر اصلی این گروه است، آنها از سازهایی همچون آکاردئون و ویولون در کنار عروسک‌های پارچه‌ای شان سود می‌جویند.



عروسک‌ها، منشأ دیگری

نگاهی به سیر نمایشنامه نویسی تئاتر عروسکی

بهزاد صدیقی

(بازرس کانون نمایشنامه نویسان خانه تئاتر و عضو کانون ملی منتقدان تئاتر)

داشته و دارند.

ج) عروسک‌های معروف به ادبیات نمایشی راه می‌یابند:

اما آنچه که سبب می‌شود تا نمایشنامه نویسی تئاتر عروسکی هویت مستقل پیدا کند، نوشتن برای انواع تئاتر عروسکی است که می‌بایست به‌طور مستمر ادامه پیدا کند. می‌دانیم که تئاتر عروسکی در چند نوع نخی، میله‌ای، دستکشی، سیاه، و سایه‌ای اجرا می‌شود. نویسنده تئاتر عروسکی یا نمایشنامه نویس عروسکی بسته به موضوعی که انتخاب می‌کند، یا خلاقیتی که در نوشتن از خود نشان می‌دهد، می‌کوشد یکی از این انواع تئاتر عروسکی را برای نوشتن نمایشنامه عروسکی انتخاب کند، این موضوع در میان هنرمندان و نمایشنامه نویسان تئاتر عروسکی در دنیا فرق می‌کند، برای آنکه بسیاری از ملت‌های دنیا از عروسک‌های خاصی در تئاتر عروسکی خود استفاده می‌کنند که جزو میراث فرهنگی آنها محسوب می‌شود. علاوه بر آن مخاطبان هر یک از کشورها و امکانات و توانایی‌ها و خلاقیت‌های هنرمندان تئاتر عروسکی هر کدام از آنها با یکدیگر فرق می‌کند. به‌جز این، بهره‌گیری از فانتزی، تخیل و ادبیات کهن یا معاصر در نزد هر یک از ملت‌ها متفاوت است.

با این همه به نظر می‌رسد یادآوری چند نوع از عروسک‌ها که متعلق به کشورهای در جهان است و معمولاً نمایشنامه نویسان و کارگردانان در داستان‌های خود از آنها بهره می‌برند، در این بخش از مقاله بی‌مورد نباشد.^(۱)

۱- مبارک:

مبارک در تئاتر عروسکی سنتی ایران یعنی خیمه‌شب‌بازی حضور دارد و مختص سرزمین ما محسوب می‌شود. این عروسک شخصیتی بذله گو و پر حرف است. در نمایش خیمه‌شب‌بازی همواره با زبان تند و تیزش موجب به‌وجود آوردن تماشاگران می‌شود. اگر چه این عروسک در نمایش خیمه شب بازی براساس داستان‌هایی از قبل نوشته شده سخن می‌گوید. اما بخشی از آنها به صورت فی‌البداهه توسط عروسک گردان ادا می‌شود. زنده یاد احمد خسته‌ای در بداهه گوئی، عروسک گردانی این عروسک تبخیر خاصی داشت. در سال‌های اخیر، بهروز غریب پور سعی در معاصر سازی این عروسک داشت و در نمایشنامه نویسی برای این نوع از تئاتر عروسکی تلاش کرد شخصیت امروزی‌تری را از آن ارائه دهد. نمایش خیمه شب‌بازی به روایت قاجار نیز حاصل همین کوشش از سوی او محسوب می‌شود. اکنون نیز هنرمندان دیگری همچون داوود فتحعلی بگی، فریبا ریسی و زهرا صبری در نمایشنامه نویسی و اجرای تئاتر خیمه شب‌بازی تلاش‌هایی را از خود نشان داده‌اند.

۲- پولچینلا: (Pulcinella)

این عروسک متعلق به کشور ایتالیا است که در واقع نمایشنامه نویسان او را از دل نمایش‌های کمیک کم‌دین‌های ایتالیایی بیرون آوردند. آنطور که محققان اروپایی نوشته‌اند پیشینه او به دلک‌های تئاتر مضحکه (farce) آتن می‌رسد. این عروسک دارای شخصیتی است که با لحن عوامانه خود می‌کوشد تماشاگران را متوجه خود کند. نمایشنامه نویسان تئاتر عروسکی اروپا از او به سبب بلاهتش که ویژگی‌اش محسوب می‌شود، در نمایشنامه‌های خود استفاده می‌کنند.

۳- قره‌گز: (Karagoz)

تئاتر سایه‌ای ترکیه شخصیت معروفی به نام قره‌گز دارد که از آغاز

شیلر: نمایشی عروسکی هرگز نباید با واقعیت یکی باشد و اگر طبیعت پیروز شد، هنر باید محو شود. (۱)

الف: اکنون سال‌هاست که هنرمندان و علاقه‌مندان تئاتر عروسکی معتقدند «عروسک‌ها می‌توانند همچون آدم‌ها احساسات بشری را برانگیزند». اگر به این جمله بیشتر بیاندیشیم، در می‌یابیم آنچه که سبب می‌شود عروسک‌ها، تماشاگران را برانگیزند همان اندیشه و خلاقیت‌های انسانی است زیرا به هر حال عروسک ساخته و پرداخته دست بشر است و آنچه که او در انواع تئاتر عروسکی؛ صحنه‌ای و خیابانی انجام می‌دهد، حاصل فکر و اندیشه آدمی است. پس می‌توان با قاطعیت عنوان کرد که عروسک‌ها نیز رفتار و افکار آدمی را دنبال می‌کنند و آنان نیز همچون هر آدم می‌توانند احساس‌های مختلف بشری را از خود بروز دهند. این احساسات نیز حاصل افکاری است که توسط نویسندگان تئاتر عروسکی و سپس کارگردانان و عروسک‌گردانان بروز می‌یابد.

ب) نخستین آغازگران و فعالان:

تا پیش از آغاز جشنواره تئاتر عروسکی در ایران نمایشنامه نویس برای تئاتر عروسکی کمتر به‌طور مستقل وجود داشته است و نمایشنامه نویسان تئاتر عروسکی پیشتر همان نمایشنامه نویسانی بودند که برای مخاطبان کودک و نوجوان نمایشنامه می‌نوشتند. هر چند که تا همین سال‌های اخیر و شاید هم همچنان در میان مخاطبان این باور وجود دارد که تئاتر عروسکی ویژه گروه سنی کودک و نوجوان است اما با نگارش و کارگردانی عمده‌ای از کارگردانان مطرح این رشته و نیز با انتخاب آثار عروسکی برای اجرا در جشنواره‌های تئاتر عروسکی از دوره نخست تا کنون کم‌کم این موضوع در میان اذهان تماشاگران رنگ باخت یا حداقل اعتقاد به این ذهنیت به حداقل رسید که هر نمایش و نمایشنامه عروسکی تنها به مخاطبان کودک و نوجوان نمی‌شود، بلکه با انتخاب موضوع یا حتی با انتخاب نمایشنامه‌هایی که برای بزرگسالان نوشته شده بود و همچنین با قدرت، خلاقیت و کارگردانی گروه اجرایی تئاتر عروسکی می‌توان نمایش عروسکی ویژه بزرگسالان نوشت و خلق کرد. چنانکه در سال‌های اخیر این کار توسط عده‌ای از کارگردانان در ایران انجام شد و به‌عنوان نمونه می‌توان رستم و سهراب بهروز غریب‌پور را نام برد که براساس داستان رستم و سهراب شاهنامه فردوسی به صورت نمایشنامه درآمد و سرانجام در تالار فردوسی به روی صحنه رفت و نیز در چند شهر نظیر مشهد و گرگان و... اجرا شد.

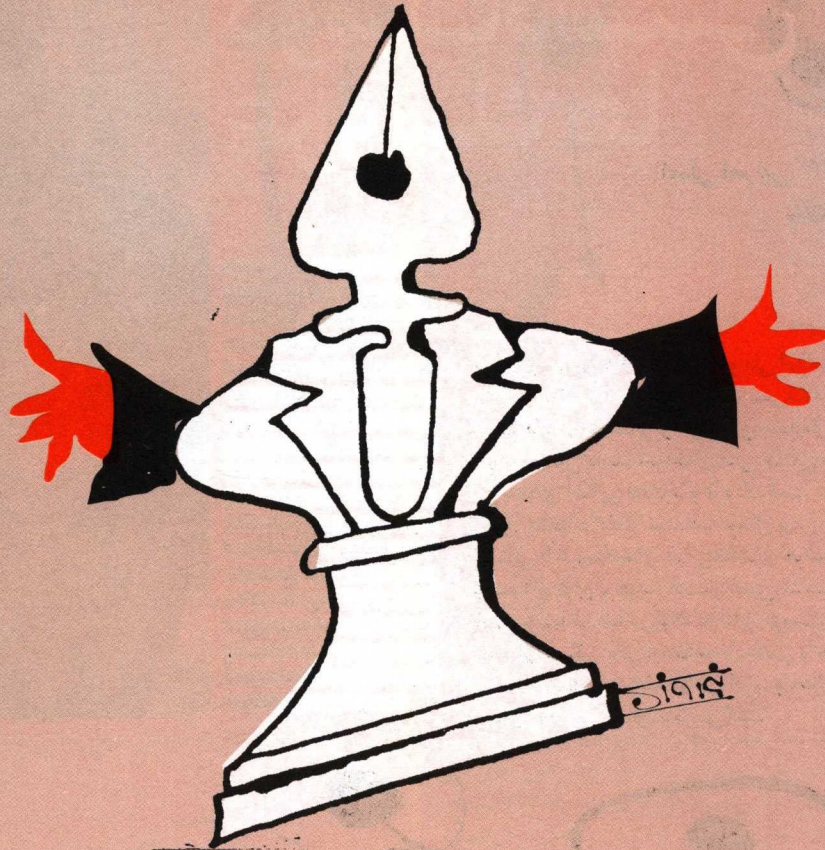
از نمونه‌های دیگر می‌توان به نمایشنامه هملت یا رمئو و ژولیت ویلیام شکسپیر اشاره کرد که در اروپا توسط کارگردانان مطرح به شیوه تئاتر عروسکی تنظیم و نوشته شد و به اجرا درآمد.

به‌هر حال نمایشنامه نویسی برای کودکان و نوجوانان شاید مهم‌ترین آغاز فعالیت نمایشنامه‌نویسان تئاتر عروسکی بود که از بین آنها عده‌ای از نویسندگان برای این نوع تئاتر نمایشنامه‌نوشتند و توسط خود یا کارگردانان دیگر به اجرا درآمدند. از نمونه‌های موفق برای این نوع نمایشنامه نویسی می‌توان به بابابزرگ و ترب و سفر سبز در سبز بهروز غریب پور در دهه شصت اشاره کرد. زنده‌یاد کامبیز صمیمی مفخم، همچنین اردشیر کشاورزی و جواد ذوالفقاری هر کدام تجربیات خاص و ارزشمندی در این نوع نمایشنامه نویسی



شماره روزانه پاروسمین
جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی
تهران - مبارک

برای خلق ادبیات نمایشی



قرن هفدهم از بین دلکدامی پیدایش شد. او شخصیتی ماجراجو، هرز، خوشگذران، تنبل و بیکاره دارد. هنرمندان و نمایشنامه نویسان تئاتر عروسکی ترکیه سعی می کنند به خاطر لحن گزنده و نیش دارش که معمولاً به دور از ملاحظات در مقابل قدرتمندان سخن می گوید، از او بهره ببرند. در نمایشنامه نویسی منطقه آذربایجان ایران هم از این شخصیت در نمایش های کمدی برای اجرای صحنه ای بهره گرفته شده است.

۴- کاسپارک: (Kaspark)

این عروسک متعلق به تئاتر عروسکی کشور چک است. نمایشنامه نویسان عروسکی چک

و اسلواکی از او به عنوان پیشخدمت که قیافه و زبان مضحک دارد استفاده می کنند. این عروسک به وسیله نخ به حرکت در می آید و در تئاتر عروسکی نخی کاربرد دارد. او از شخصیت معروف تئاتر چک در اواخر قرن هجدهم به تئاتر عروسکی راه پیدا کرده است.

۵- پانچ (Punch) و جودی (Judy):

دو نمونه از مهمترین شخصیت های تئاتر عروسکی، دو عروسک پانچ و جودی، متعلق به کشور انگلیس هستند. نمایشنامه نویسان از این دو شخصیت برای نمایشنامه های عروسکی کمدی بهره می برند. پانچ بازمانده تئاتر کمدی دلارته ایتالیایی است که در نقش یک دلکدام ظاهر شد. از این عروسک ابتدا به شیوه نخی استفاده می شد و بعدها در آغاز قرن نوزدهم برای تبلیغ جشنواره تئاتر عروسکی سیار به شیوه دستکشی در آمد. جودی هم در اصل بعد از سال ها به وجود آمدن پانچ پا به عرصه تئاتر عروسکی انگلیس گذاشت و نمایشنامه نویسان عروسکی انگلیس از او در نوشتن همسر غرغروی پانچ در تئاتر عروسکی کمدی استفاده کردند.

و چند پیشنهاد: برای رسیدن به نمایشنامه نویسی درست و محکم تئاتر عروسکی جدا از آنچه که در سطور پیشین پر شمردم، می توان به این مهم ها

نیز توجه داشت:

- ۱- تأسیس پژوهشکده تئاتر عروسکی
- ۲- تأسیس کتابخانه تخصصی نمایشنامه نویسی عروسکی
- ۳- انتشار نشریه تخصصی ادبیات نمایشی عروسکی
- ۴- راه اندازی سایت تخصصی ادبیات نمایشی عروسکی
- ۵- نقد و بررسی حرفه ای و اصولی نمایشنامه های عروسکی (حضور یا نوشتاری)
- ۶- دعوت از نمایشنامه نویسان حرفه ای تئاتر عروسکی از خارج برای برگزاری ورک شاپ یا نشست و سخنرانی و یا سمینار
- ۷- انتشار نمایشنامه های قوی تئاتر عروسکی به صورت مستمر

- ۸- برگزاری جلسات نمایشنامه خوانی عروسکی در عرصه تئاتر عروسکی
- ۹- اختصاص تالار ویژه ای برای اجرای مستمر نمایشنامه های عروسکی
- ۱۰- ایجاد شاخه ادبیات نمایشی عروسکی در دانشکده های تئاتر (نتیجه):

نتیجه سخن آنکه برای نمایشنامه نویسی عروسکی نیاز به انجام و انتشار پژوهش های متعدد، چه تألیف و چه ترجمه، است و با انجام چنین مهمی می توان هم به چگونگی پیدایش و تاریخچه نمایشنامه نویسی عروسکی در ایران و جهان دست پیدا کرد و هم به میزان سهم و اندازه این نوع نمایشنامه در ادبیات نمایشی در ایران و جهان پی برد و هم انواع آن را به درستی شناسایی کرد و مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

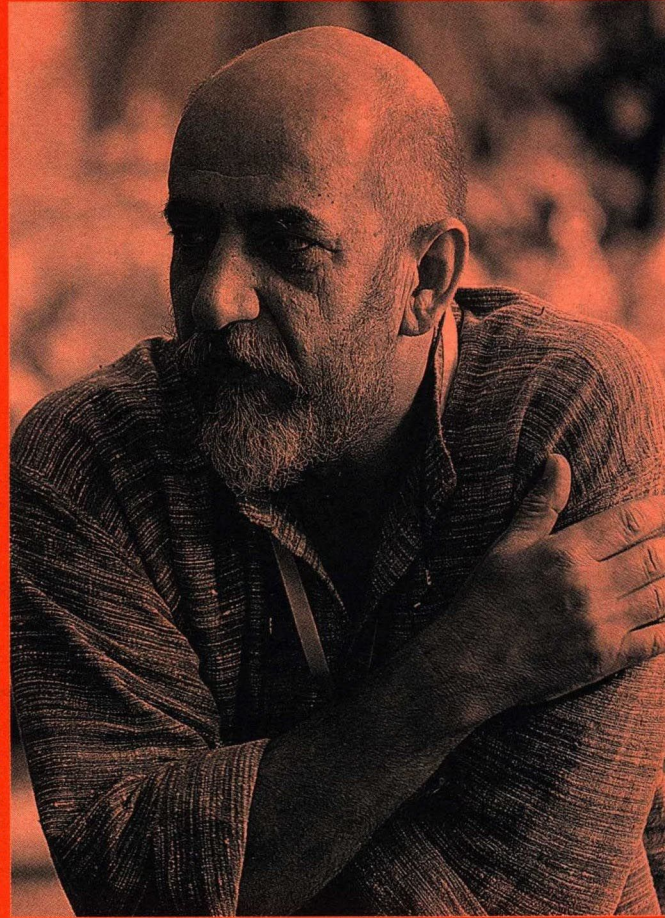
- (۱) تئاتر عروسکی نوشته گوتتر پیمر، مترجم حسن پارسایی، انتشارات نمایش چاپ اول ۱۳۷۷
- (۲) از شماره ۲ تا ۱۰ به اختصار برگرفته از بولتن هفتمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی تهران سال ۱۳۷۷

با ماسیمو شوستر، پدر خوانده مهربان همه عروسک‌های دنیا



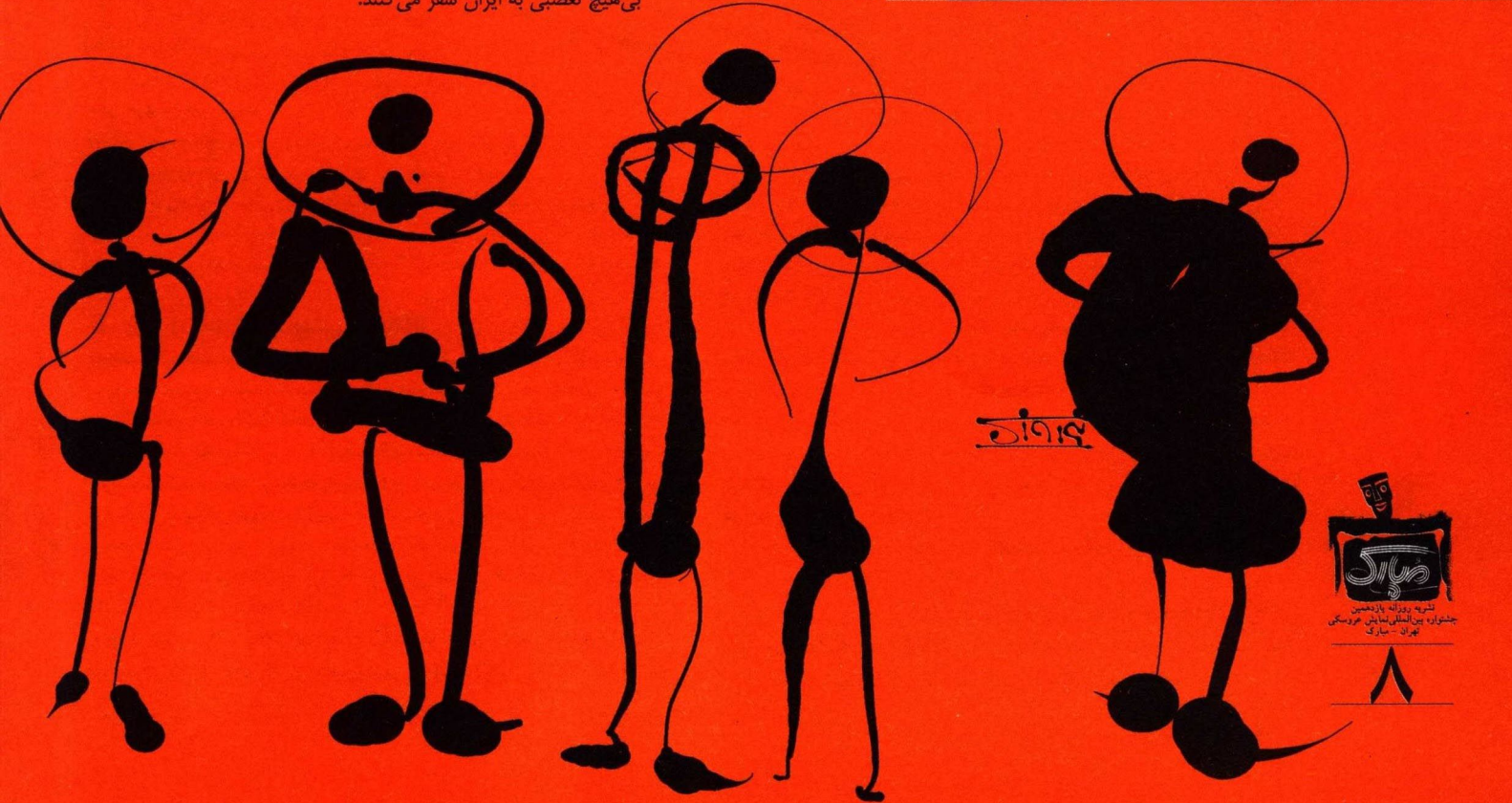
دنیای دوست‌داشتنی عروسک‌ها

امیلی امرایی



دوره گذشته حضور شما به جشنواره عروسکی تهران اعتبار زیادی بخشید. حضور دوباره‌ی شما در جشنواره مبارک تا چه حد حمایت‌های یونینما را به تئاتر عروسکی ایران معطوف می‌کند؟ سازمان یونینما ۶۸ عضو دارد و طی این مدت که به‌عنوان رییس این سازمان انتخاب شدم بیش از هر چیز سعی دارم که سنت‌های تئاتر عروسکی کشورهای مختلف را از طریق این سازمان به اقصی نقاط دنیا معرفی کنم. سازمان یونینما بودجه‌ی مالی چندانی ندارد و اغلب کمک‌های‌اش در راستای آشنایی سنت‌ها و فرهنگ است. من امسال به‌عنوان یک ناظر در این جشنواره حاضر شده‌ام. دوسال پیش که به تهران سفر کردم، هیچ آشنایی با عروسک‌های ایرانی نداشتم. خوشبختانه تئاتر عروسکی ایران از پیشینه‌ی قوی برخوردار است و همین شناساندن عروسک‌های ایرانی از طریق یونینما در دنیا می‌تواند به تئاتر عروسکی شما کمک زیادی بکند. تئاتر عروسکی یکی از مظاهر نزدیکی و تعامل فرهنگی در دنیای امروز است. با توجه به شرایط سیاسی ایران و بحران‌های خاورمیانه، عروسک‌ها بی‌هیچ تعصبی به ایران سفر می‌کنند.

ماسیمو شوستر، رییس یونینمای جهانی، امسال برای دومین بار میهمان جشنواره عروسکی مبارک است. شوستر، دوره گذشته از نزدیک با عروسک‌های ایرانی آشنا شد و حالا معتقد است که جشنواره‌ی تئاتر عروسکی تهران در سطح قابل قبولی است. شوستر در سومین روز جشنواره‌ی مبارک به تهران آمده است و دوست دارد با تئاترهای عروسکی تهران، مخصوصاً عروسک‌های قدیمی، پیش از این آشنا شود. شوستر ایتالیایی، خودش را پدر خوانده‌ای مهربان برای عروسک‌های دنیا می‌داند.



۱۳۹۵



شماره روزانه پارچه‌ساز
جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی
تهران - مبارک



ارتباط در دنیای عروسک‌ها و هنر، بارها گرم‌تر از عرصه‌های سیاسی است.

❖ کمک‌های معنوی سازمان یونینما به ایران شامل چه بخش‌هایی می‌شود؟ اصولاً این سازمان چه راهکارهایی را در مقابل تئاتر عروسکی ایران قرار می‌دهد؟

مهم‌ترین نکته برای پیشرفت در این عرصه تعامل زیاد است. علاوه بر خلاقیت ذهنی، دست‌اندرکاران این عرصه باید کارهای گروه‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را ببینند، تا به این ترتیب به نوآوری‌های بیشتری دست پیدا کنند. این که تئاتر عروسکی شما حالا روی گروه‌های مبارک می‌چرخد، هیچ بد نیست، اما این تئاتر باید از

تکرار گذشته‌ها بپرهیزد. مبارک، تنها برای خندانیدن نیست، او هم مثل همه‌ی شخصیت‌های عروسکی دنیا، از طنزی ملهم و تلخ سود می‌جوید. او قدرتهای خودکامه را مسخره می‌کرده‌است. این قدرتمند ممکن بود رییس یک دهکده باشد و یا حتی یک پادشاه. امروزه در سراسر دنیا برای نقد درست باید جسارت داشت و در بسیاری از این کشورها این کار هزینه‌های زیادی دارد. شورای ریاست سازمان یونینما ۱۸ عضو دارد و از میان ۶۸ کشوری که عضو این سازمان هستند، ایران این شانس را داشت که به واسطه‌ی شخصیتی همچون بهروز غریب‌پور عضو شورای ریاست این سازمان شود. ایران می‌تواند با توجه به این موقعیت از حضورش در یونینما سود ببرد و ارتباطات‌اش را با جشنواره‌ها و گروه‌های جهانی بیشتر کند. من نمی‌توانم به شکل عمقی با مسائل تئاتر ایران گره بخورم. کندی حرف خوبی درباره‌ی آمریکا زده بود؛ او می‌گفت: «نگویید که آمریکا برای ما چه کرده است، بگویید که شما برای آمریکا چه کرده‌اید؟» و حالا این جمله درباره‌ی شما هم صدق می‌کند. من در طول جنگ بوسنی در ساریوو تئاتر اجرا می‌کردم، برای اینکه عروسک‌ها را به مردم بشناسانم و امید را در دل آنها زنده کنم، اما خیلی‌ها فکر می‌کردند من خل شده‌ام.

❖ با توجه به شناختی که نسبت به عروسک‌های سراسر دنیا دارید کاراکتر مبارک را چه‌طور می‌بینید؟

مبارک عروسک باستانی تئاتر ایران، علاوه بر همه ویژگی‌های مشترک تئاتر عروسکی جهان، ویژگی‌های خاص ایرانی هم دارد. جدای از نحوه حرکت و کارکرد این عروسک، او همیشه از مستضعفان دفاع می‌کند و دشمن ثروتمندان است. عروسک‌ها گاهی وقت‌ها به اندازه یک لشکر سرباز خطرناک بودند. در قرن ۱۶ دولت فرانسه تئاتر عروسکی را قدغن اعلام کرد. اگر آن را با پوچینلا، عروسک شهر ناپل مقایسه کنیم، آنها شبیه هم هستند. پوچینلا همیشه گرسنه و فقیر است و همیشه راه‌های خوبی برای سیر کردن خودش پیدا می‌کند و زبان‌اش هم مثل مبارک تند و تیز است.

❖ تئاتر عروسکی ایران را در چه سطحی می‌بینید؟

دوره گذشته من نزدیک به ۱۵ تئاتر در روزهای جشنواره دیدم، در این میان ۲ یا ۳ کار بسیار عالی بود. یکی از آنها را یک گروه از خانم‌ها اجرا می‌کردند و دیگری هم توسط ۱۵ نفر اجرا می‌شد، کارهای عالی بود و کارهای آوانگاردی دیدم که نوآوری آنها قابل ستایش بود، اما در نهایت این تئاتر عروسکی سنتی است که مرا جذب می‌کند.

❖ در دنیایی که انیمیشن و کارتون در کانون توجه کودکان قرار دارد، به نظر شما تئاتر عروسکی چه‌طور می‌تواند جایگاه خودش را حفظ کند؟

در انیمیشن و کارتون، شما یک بیننده‌ی صرف هستید و منفعل، دراز کشیده، چرت‌آلود و بی‌حوصله می‌توانید آن را تماشا کنید. اما در تئاتر و مخصوصاً تئاتر عروسکی شما ناخودآگاه، جزوی از نمایش هستید و باید با کار ارتباط برقرار کنید. در ضمن وقتی شما با عروسک حرف می‌زنید، هیچ کس نمی‌تواند شما را متهم کند. وقتی باز خواست شدید، خیلی زود می‌گویید که این حرف‌ها مال عروسک است نه من. عروسک‌ها دست روی نقطه‌ی حساس و مشترک همه‌ی آدم‌ها می‌گذارند، کودکی. دلیل اصلی ماندگاری تئاتر عروسکی درست همین نکته است.

❖ دو سال پیش، خبر از دایره‌المعارف درباره‌ی تئاتر عروسکی دادید که توسط اعضای یونینما جمع‌آوری می‌شود. سهم مبارک در این دایره‌المعارف چه قدر است؟

این پروژه بیش از ۱۰ سال است که در حال اجرا است و خوشبختانه به مراحل خوبی رسیده است، این دایره‌المعارف می‌تواند ابزار آشنایی و یادگیری خوبی در سراسر جهان باشد. فعلاً این اثر به زبان فرانسه است و قرار است به ایتالیایی و اسپانیایی هم ترجمه شود، قصد داریم این اثر را به شکل یک دایره‌المعارف اینترنتی برای دسترسی آسان فراهم کنیم و در عین حال به شکل کتاب‌های قطور و گران‌قیمت برای کمک به این سازمان منتشر کنیم. البته من با شکل اینترنتی آن موافق‌تر هستم. برای نشان دادن اهداف‌مان که شامل صلح، دوستی و برابری بدون توجه به نژاد، مذهب و رنگ است را در دیباچه‌ی این دایره‌المعارف بگنجانیم. به کمک بهروز غریب‌پور بخش قابل توجهی از این دایره‌المعارف به مبارک، تئاتر عروسکی ایران و عروسک‌های مسلمان اختصاص دارد.

❖ به‌عنوان آخرین سؤال، شما به‌عنوان پدر معنوی عروسک‌های دنیا، کدام یک از این شخصیت‌ها را بیشتر دوست دارید؟

پوبی، یک عروسک سیسیلی است که به شدت جذاب است و کاراکترهایش تغییر می‌کند. سیسیل فرهنگی غنی دارد هرچند که همه‌ی مردم دنیا آنها را به‌عنوان مافیا می‌شناسند. اما پوبی مهربان‌ترین عروسک دنیا است.



نشریه روزانه یازدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک

گفت و گویا
جین فرر تهیه کننده تئاتر انگلیسی
و مدیر اجراهای بین المللی گروه تئاتر
عروسکی لهستان

عروسک اندیشمندتر از بازیگر است

اگر نمایش «کارمن فونبر» را که در بیست و سومین جشنواره‌ی تئاتر فجر به یاد داشته باشید، می‌دانید که این گروه، معمولاً اجراهایشان در فضای باز شکل می‌دهند و با موضوع‌های جهانی این کار را می‌کنند. معمولاً از لباس‌های عجیب و لوازم بزرگ استفاده می‌کنند. در یازدهمین جشنواره‌ی بین المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک با نمایش قلعه حیوانات در این جشنواره حاضر شده‌اند. گفت و گوی ما را با جین فرر تهیه کننده تئاتر انگلیسی و مدیر اجراهای بین المللی گروه تئاتر عروسکی لهستان در ادامه بخوانید.

نقش نمایش عروسکی را در میان هنرها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

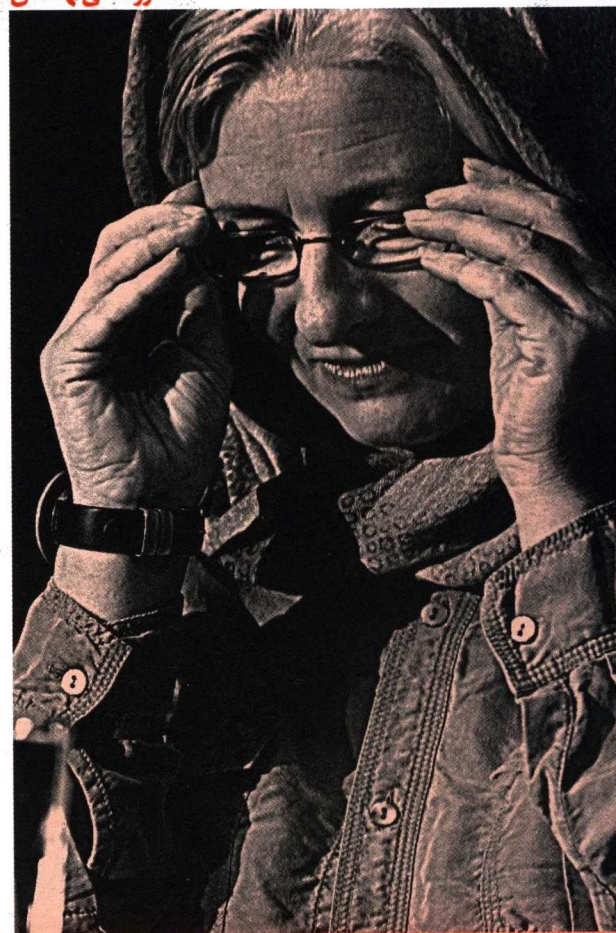
تئاتر عروسکی بخش خیلی مهمی از تمرین‌های تئاتر را تشکیل می‌دهد، چرا که کارهایی را که با عروسک می‌توانیم انجام دهیم، لزوماً نتوانیم با یک بازیگر انجام دهیم و با وجودی که عروسک یک شیء نیست اما وقتی آن را حرکت می‌دهند می‌تواند حتی بیشتر از یک بازیگر، زنده باشد. برای همین یک عامل بزرگ و کمک کننده است. به نحوی که گاهی ممکن است، یک عروسک اندیشمندتر از یک بازیگر باشد.

چه عاملی سبب ماندگاری نام و گروه نان و عروسک شده است؟

گروه تئاتر نان و عروسک، به خاطر پیام‌ها و اعتراض‌های خود شناخته شده بودند. در طول جنگ ویتنام نیز این گروه به خیابان‌ها می‌رفتند و در مورد ناامیدی و بیچارگی قربانی‌ها کار می‌کردند. اکنون کدام گروه تئاتری می‌تواند این کارها را انجام دهد. ما بدون حرکت نشستیم در حالیکه آزادی‌های مدنی و آن چیزی که نسل‌های گذشته برای آن جنگیده‌اند کم کم مورد تجاوز قرار می‌گیرد.

در خصوص فعالیت‌هایتان توضیح دهید؟

من مدیر اجراهای بین المللی یک گروه لهستانی هستم. این گروه با استفاده از ابزار تئاتری اعتراض می‌کند. در جشنواره سال پیش نمایش این گروه در واقع اعتراض به جنگ بود. ما این تئاتر را بعد از ۱۱ سپتامبر به ایالت متحده بردیم البته قبل از حمله آنها به عراق. امسال نیز این گروه به ایران برگشتند. این گروه تئاتری بر پایه مزرعه حیوانات جورج اورول تهیه کرده است. در این تئاتر خوک که حیوان بسیار باهوشی است به عنوان الگوی استبداد و زورگویی استفاده شده است. در واقع با استفاده از یک روش خنده‌دار نشان داده شده که چگونه می‌توان با مردم رفتار کرد. این به عنوان یک مثال از انقلاب روسیه گفته شده که چه طور یک دولت می‌تواند از دولت قبلی بدتر شود. این امر می‌تواند در مورد سازمان‌ها و تشکیلات سیاسی دیگر هم به کار رود. نکته اساسی و آموزنده این است که چگونه روسای سازمان‌ها ممکن است به سمتی پیش بروند که سازمان‌های خود را به سمت منافع خود هدایت کنند و رفتار آنها در نهایت بدتر از آنهایی شود که سعی می‌کنند سازمانشان را در برابر آنها حفاظت کنند. در این کار دید یک حاکم و یک محکوم وجود دارد و افراد کم توانی تحت سلطه این قدرت قرار گرفته‌اند.



گفت و گویا شارلوت پویک یولن نویسنده و کارگردان نمایش «پانتارای II»

بیداری روح خفته‌ی آدمی

معطوف حرکات و واکنش‌های ریزتر و کوچک تر کردم. پس نمایش ما انعکاس احساسات و حالات درونی بشر است.

با توجه به تصاویر مندرج در نشریات، منتظر عروسک‌های غریبی برای این نمایش هستیم، چیزی شبیه شخصیت‌های «ارباب حلقه‌ها» که لامکان و لازمان هستند.

من عروسک‌های نمایش را پیش از ارباب حلقه‌ها ساختم و قدری هم با اشکال آن داستان متفاوت هستند. به جز یک عروسک بزرگ که صورتی کشیده با تن و بدنی پوشیده از شاخ و برگ ساخته شده است. عروسک‌های نمایش ما کاملاً واقعی و معاصرند.

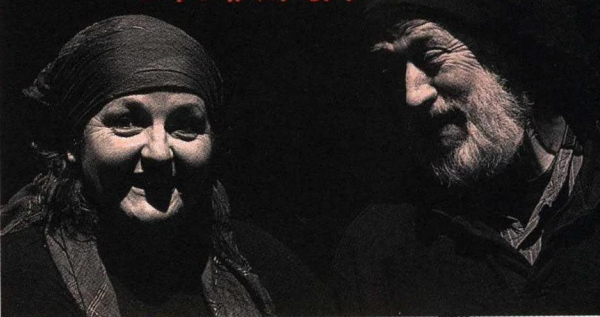
از چه طریقی با جشنواره تئاتر عروسکی تهران آشنا شدید؟

در جشنواره پراگ - جمهوری چک - از طریق زهرا صبری که یک نمایش به نام هشت لحظه در جشنواره داشت و بهروز غریب پور که رییس هیات داوران بود. پیش از آن هم اطلاع و آشنایی با تئاتر عروسکی ایران نداشتیم. امیدواریم با مشغله این چند روز، چهار اجرا و سه ورک شاپی که قرار است اجرا کنیم، بتوانیم کاری را در جشنواره ببینیم.

تفاوت عمده‌ی پانتارای II و پانتارای I در چیست؟

ما پانتارای I را برای اجرای ثابت در هلند طراحی کرده بودیم. برای اینکه بتوانیم آن را به طور پرتابل و محرک با خودمان جا به جا کنیم، مجبور شدیم تغییراتی را در آن اعمال

نمایش «پانتارای II» نوشته و کاری از شارلوت پویک یولن از عصر چهارنسنه پانزدهم شهریور در تالار چهارسوی مجموعه‌ی تئاتر شهر روی صحنه رفت. گفت و گوی زیر با کمک پیمان موسوی مترجم گروه میسر شد.



کنم. که ماحصل آن پانتارای II شد.

مضمون و داستان پانتارای II چیست؟

این نمایش داستان گو نیست، در واقع نمایشی است، که بر پایه تغییر و تحولات و انقلاب درونی، شکل می‌گیرد. معمولاً در تئاتر روی احساسات قوی مثل عشق، حسادت، کینه و... کار می‌کنند، اما من تمرکز خودم را



شهر روزانه پانزدهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی تهران - مبارک



«مبارک» پهلوان پنبه می‌شود

افسانه قدیمی «پهلوان پنبه» که به چند شیوه متفاوت در ادبیات ایرانی روایت شده است، داستان خالی بندیه‌های آدم عادی است که باور کرده پهلوان است و این بار این پهلوان در قالب «مبارک» آیینی و سنتی در پس خیمه نقش بازی می‌کند.

* شخصیت «پهلوان پنبه» با توجه به تاریخچه قدیمی که در ادبیات فارسی دارد، آیا در داستان‌های خیمه شب بازی هم حضور داشته؟

زمانی که تصمیم به اجرای این نمایش گرفتیم، نمی‌دانستم که چنین شخصیتی در خیمه‌شب‌بازی بوده یا نه ولی به مرور که شروع به تحقیق و پژوهش کردم متوجه شدم که چنین شخصیتی در داستان‌های خیمه شب بازی ایران وجود داشته، هرچند که هنوز موفق به پیدا کردن داستان اصلی پهلوان پنبه نشده‌ام.

* با این وجود نمایشنامه را با ایده شخصی نوشته‌اید؟

من و همسرم (افشین راضی) داستان اصلی پهلوان پنبه را که در افسانه‌ها آمده است، گرفتیم و در قالب شخصیت‌های خیمه شب بازی مثل مبارک، سلیم خان و فرخ خان، پیوند دادیم و برای هر کدام از این کاراکترها، شخصیت پردازی کردیم، در حالیکه در داستان‌های اصلی خیمه شب بازی جز شخصیت مبارک، سایر کاراکترها خیلی معرفی نمی‌شوند.

* این تغییرات در اجرای نمایش چگونه شکل گرفته است؟ تا چه حد به ساخت اصلی و قدیمی خیمه شب بازی وفا دار بودید؟

به اعتقاد من هنر خیمه شب بازی، قابلیت‌های نمایشی زیادی دارد، به همین دلیل ما هم ساختار اصلی و سنتی آن را حفظ کردیم ولی در عین حال تغییرات در آن ایجاد کردیم، مثلا مرشد و کمانچه نوازها بر خلاف اجراهای سنتی، نمی‌نشینند و به همراه عروسک‌ها بازی می‌کنند، که به همین دلیل مجبوریم به جای استفاده از ساز کمانچه، از ویولون استفاده کنیم، از طرفی سه عروسک گردان این نمایش، به صورت مجزا از سفیر استفاده می‌کنند ولی نوع سفیر آنها با هم تفاوت دارد، تا جنس صدای متفاوتی را براساس شخصیت‌ها ارائه دهند.

* عروسک‌ها هم تفاوت کرده‌اند، یا از همان عروسک‌های متداول و رایج خیمه شب بازی استفاده می‌کنید؟

«پهلوان پنبه» با ۲۱ عروسک نخی اجرا می‌شود که تا حدود زیادی از شکل عروسک‌های خیمه شب‌بازی فاصله گرفته‌اند و حرکت بیشتری دارند، ولی در عین حال خیلی هم شبیه عروسک‌های نخی کلاسیک نیستند.

* با توجه به اشاراتی که به اهمیت و قابلیت‌های نمایشی خیمه‌شب‌بازی داشتید، اضافه کردن این بخش را به صورت یک بخش مجزا در جشنواره، چگونه می‌بینید؟

به‌عنوان یک شرکت کننده در این بخش هنوز دقیقا نمی‌دانم که چرا این اتفاق افتاده است، اما اگر به پیشینه زیبا و سنتی این هنر در تاریخ تئاتر عروسکی ایران نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که «مبارک» ما کم از عروسک‌های آیینی دیگر کشورها ندارد و اعتبار بخشی به شخصیت تاریخی و هنری مبارک سنتی ایران در واقع اعتبار بخشی به هنر قدیمی و با سابقه خیمه شب‌بازی است، در حالیکه متأسفانه این هنر و شخصیت مبارک در سال‌های قبل فقط در حد یک اسم و شاید یک نمایش معرفی می‌شد و بهای زیادی به آن داده نمی‌شد و به‌همین دلیل این نمایش به وضعیت وخیمی رسیده بود و حیف است که با برگزاری یک جشنواره بین‌المللی که خوشبختانه از دوسال پیش نام «تهران - مبارک» را هم همراهی می‌کند به پیشینه تاریخی این هنر توجه نکنیم.

يك اتفاق خجسته

برگزاری یازدهمین جشنواره بین‌المللی تهران را به برگزار کنندگان، شرکت کنندگان، همه نمایشگران عروسکی تبریک می‌گوییم. جشنواره یازدهم، گذشته از نوع و کیفیت آثار شرکت کننده - که داوری در این مورد را به مجال دیگری وامی‌گذاریم - با سال‌های پیشین تفاوت‌هایی دارد.

بازگشایی کانون نمایشگران عروسکی در مرکز هنرهای نمایشی که به‌بهانه برگزاری این جشنواره صورت گرفت بی تردید اتفاق مبارکی است که با وجود آن می‌توان اهداف درازمدت، میان‌مدت و کوتاه مدت خانواده نمایشگران عروسکی را هر چه سریعتر تحقق بخشید.

اتفاق دیگری که جشنواره امسال را متفاوت از سال‌های پیشین می‌کند دخالت مستقیم و بی‌واسطه کارشناسان و اهالی نمایشگران عروسکی در امور ستادی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آن است، در سایه چنین تدبیر هوشمندانه‌ای است که هنرمندان با وجود همه کاستی‌ها و مصائب، با انگیزه و روحیه‌ای بالاتر و متفاوت‌تر در جشنواره حضور پیدا می‌کنند. انجمن نمایشگران عروسکی به عنوان یک انجمن صنفی از ایده شورایی شدن سیاستگذاری جشنواره استقبال کرده و توصیه می‌کند این رویه در سال‌های آتی نیز ادامه پیدا کند زیرا تعامل تصمیم‌گیران نهادهای دولتی با نهادهای صنفی و اهالی فرهنگ و هنر و دخالت دادن مستقیم آنها در برنامه‌ریزی‌ها یکی از راه‌های برون رفت از انسداد فعلی است، انسدادی که باوجود همه دلسوزی مدیران از نبود امکانات کافی و گاه بدیهی برای هرگونه فعالیت فرهنگی و هنری ناشی می‌شود. همت مسئولین، برنامه‌ریزان، شرکت کنندگان وطنی و خارجی خاصه مهربانی‌های شخصی قائم مقام هنری دبیر جشنواره یازدهم را ارج نهادهو برای همگان توفیق روزافزون آرزو می‌کنیم.

انجمن نمایشگران عروسکی
خانه تئاتر ایران
شهریور ۸۵

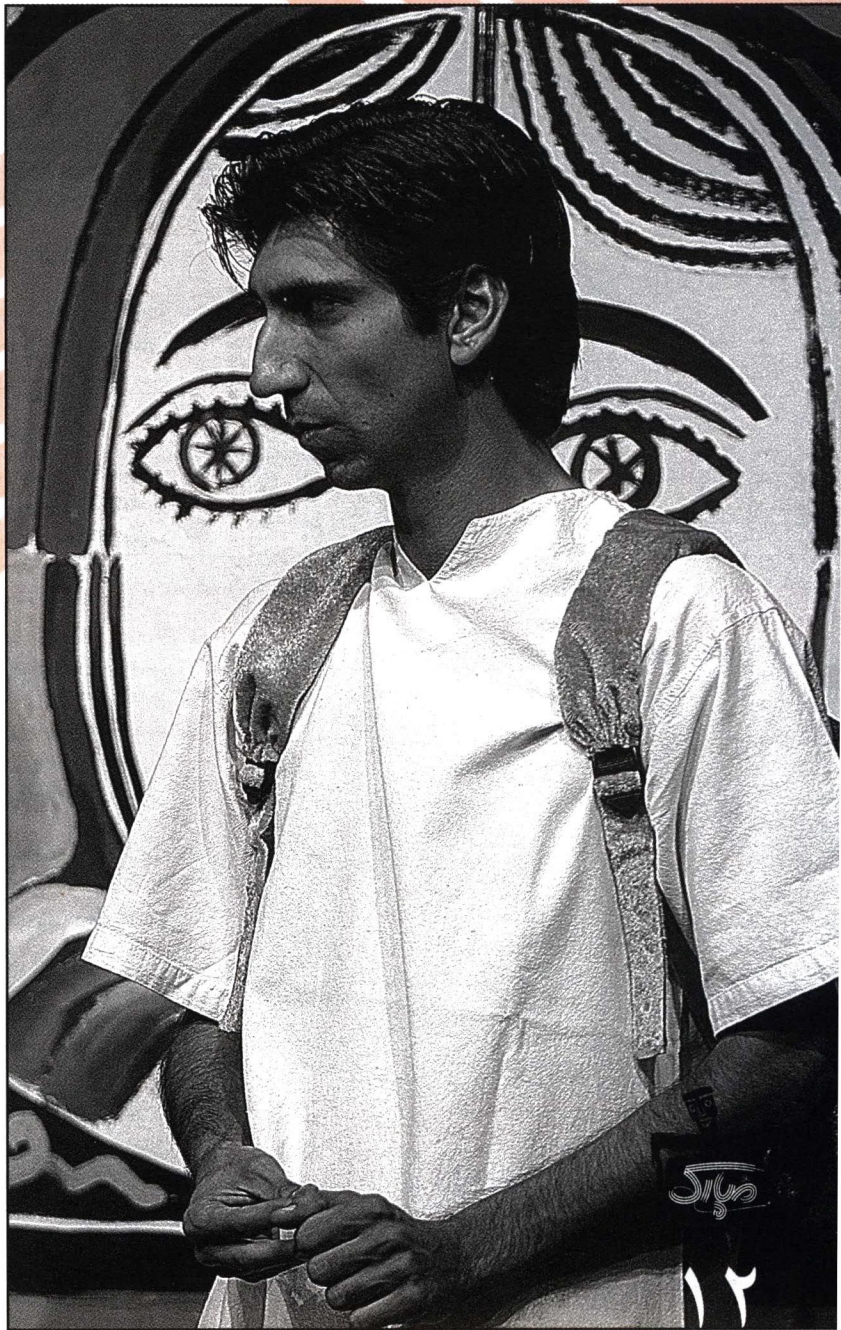


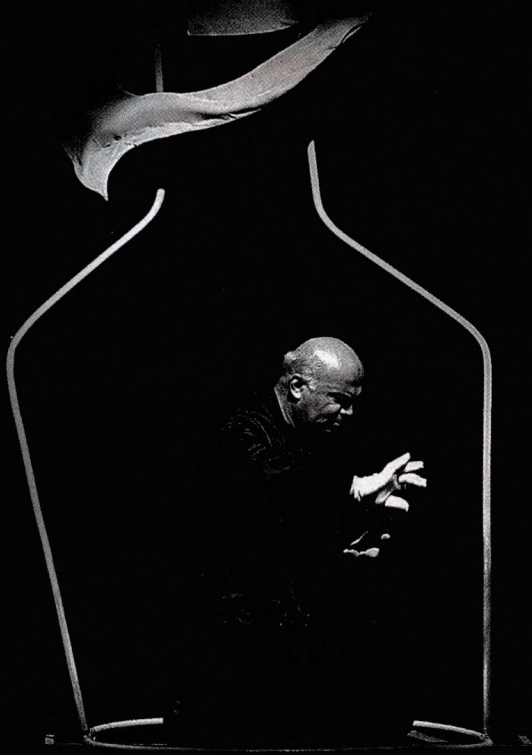
لالایی رویاها

نگاهی به نمایش
«ساز شب»
اثر سوسن مقصدلو

امید بی نیاز

شاید لازم نیست که خانم «سوسن مقصدلو» آثار «ویتکنشتاین» را خوانده باشد. شاید لازم نیست که او از بازی‌های زبانی و تئوری‌های نوین پست‌مدرنیسم سر در بیاورد. چون در سرزمینی زندگی می‌کند، که شعر، یگانه ثروت است. سرزمینی که آدم‌هایش در شاعرانه دیدن اشیاء، اشکال، انسان و دیگر جانداران، سابقه طولانی دارند و همواره با بعدی از معنا آفرینی و معنویت کلام، اشیاء، و اشکال دست و پنجه نرم می‌کنند. همه چیز برای دیدن یک نمایش نرم منعطف و جذاب فراهم است. دکور صحنه‌ای که از شکلی انعطافی و نرم برخوردار است و همواره بایک‌چرخش ساده به صحنه رنگ و بویی از زندگی و طراوت می‌بخشد، گل‌های عروسی که در پارک و زیر رگبار باران صدا، به شیرین کاری و دیالوگ می‌پردازند و همه و همه از نمایشی کودکانه و لطیف خبر می‌دهد. از همان ابتدای نمایش، مؤلفه شعر مانند ستونی ساختاری خود را به کلیت نمایش دیکته می‌کند. «دوست دارم باران مرا ببوسد/ دوست دارم که باران برایم لالایی بخواند» این شعر اگر چه از یک شاعر ایرانی نیست اما زمینه را برای ورود به قلمرو رویاوار شعر ایرانی باز می‌کند. استفاده از قطعه شعری از «لنگستن هیوز» شاعر سرگرجان سیاه‌پوستان، در هارمونی با موسیقی، دیالوگ‌ها (گل‌های پارک) و دکلمه‌ای که بیش از هر چیزی در شعریت غوطه ور است، فضایی ملون و رنگارنگ را برای تماشاگر به نمایش می‌گذارد. نمایش «ساز شب» ترکیبی از دوزئان اجرایی زنده و عروسی است که پیش از هر چیز به ژانر تئاتر کودک نزدیک است و همواره مؤلفه‌های ساختاری این‌گونه نمایش‌ها را برای ما تداعی می‌کند. داستان نمایش به ماجرای حلزونی می‌پردازد که در باران با یک زن تنها آشنا می‌شود. و حرکت محوری قصه، شخصیت پردازی آدم‌ها و پیام‌نهایی نمایش را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. در واقع ساز شب، سازی است که این حلزون می‌نوازد و بسیاری از پرسوناژهای نمایشی را با خود همراه می‌کند. عروسک‌های نمایشی نیز به‌صورت دستی و انگشتی به اجرا در می‌آیند و همواره در میان پرسوناژها نقشی کم رنگ دارند. از نقاط قوت نمایش «ساز شب» سیالیتی است که روایت نمایش در خود نهفته دارد و این سیالیت، عناصر کلامی و صحنه‌ای را مانند جریان طنن آمیز، تخیلی و رویایی به سمت و سوی خاصی می‌برد و به‌هر کدام از این عناصر شکلی قابل باور می‌دهد. طوری که گاهی معنایی را ویران می‌کند و دوباره از دل آن معنای ویران شده، معنای دیگری را به‌وجود می‌آورد. بازی کردن با اشیاء و عناصر کلامی نمایش «ساز شب» گاهی زیبا و مسحور کننده است. به‌عنوان مثال در جایی از نمایش، زن برای حلزون ماکارونی می‌آورد و حلزون از خوردن این ماکارونی سرباز می‌زند، چون فکر می‌کند که این غذا شبیه پسر خاله‌های او (کرم‌ها) هستند. چنین استنباط‌هایی از عناصر صحنه جالب است. حتی برای لحظه‌ای ماکارونی‌ها به کرم تبدیل می‌شوند و حلزون از میان آنها، به معرفی پسر خاله و دختر خاله و... می‌پردازد. این شکل منعطف، فرینه وار و دوپهلوی از نکات قابل تامل نمایشی است. شاید چنین عناصری استفاده از نوستالژی بسط کودکان به جای نوستالژی خاصی است. به تعبیری نویسنده و کارگردان اشیاء و اشکال و هستی نمایش را از فیلتر ذهنی خود رد نمی‌کند و همواره بسیاری از عناصر برجسته نوستالژیک کودکان را که جنبه عام دارند، مد نظر قرار می‌دهد. از این رو در این نمایش هم از پینوکیو اسم به میان می‌آید و هم از کتاب علوم اول دبستان که در نوستالژی عام جنبه‌ای لطیف و خاطره برانگیز دارند. تکنیک‌های نمایشی مثل استفاده از صدا و اکو، یا استفاده از صفحه سفید که با استفاده از نورپردازی، حشرات پارچه‌ای از روی آن رد می‌شوند، بسیار زیبا و حرفه‌ای است. یا این که در صحنه دوم صدای مسلسل ولرباران در تمام قلمرو صحنه طنین‌انداز می‌شود و در صحنه بعدی ما با صدای چک‌چک شیر آب رو به رو هستیم که به‌لحاظ فراز و فرود داستانی مانند بالانسی بکر و جذاب است. با این حال در صحنه‌های بعدی، نمایش جنبه پراگماتیسمی و آموزشی به‌خود می‌گیرد. بی‌شک هر نمایش (به‌ویژه عروسی و کودکان) در کنار زیبایی خاص خود به جنبه آموزش نیز می‌پردازد اما در نمایش «ساز شب» به‌دلیل هدایت فضای داستان به سوی قلمرو حشرات تا حدودی کسل کننده به نظر می‌آید و بین نقاط اوج و قدرت نمایش گسست و فاصله می‌افتد. به ویژه که تعداد شخصیت‌ها هم زیاد هستند و دیالوگ‌ها و ادبیات آنها، دیگر آن ادبیات رویاگونه و جذاب نیست.





«سازده کوچولو» بی شک همه‌ی کسانی را که دوران کودکی و نوجوانی‌شان در دهه‌ی ۶۰ سپری شده، به یاد کارتون «مسافر کوچولو» می‌اندازد. شخصیتی که بالباس آبی و شال طلایی رنگش در پس ذهن هزاران هزار نفر حک شده است. سازده کوچولو شاید در بستر متنی خود با فرم و رویکردی فانتزی‌اش مقبول سلیقه‌ی اغلب آدم‌های نه فرهنگی، که دوستدار فرهنگ، می‌افتد. این بار باباز خوانی ولخوسکی و کارگردانی خانم لاریسا مانگاساروا در تالار اصلی مجموعه تئاتر شهر جان می‌گیرد. نمایشی که باوفاداری به ماهیت و هویت قصه‌ی شاهکار انتوان دوستن اگزوپری حس نوستالژیک تماشاگری را که باشخصیت‌های این قصه آشنا هستند، تقویت می‌کند. حال در دل یازدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران - مبارک. این نمایش به شیوه‌ی تلفیقی تئاتر زنده - عروسکی در تقویت این حس به کمک تماشاگر می‌آید. در این نمایش ۹۰ دقیقه‌ای یک بازیگر یا به عبارتی راوی قصه در نقش خلبان پادشاه ستاره‌شناس و مست در صحنه حاضر می‌شود تا به جان بخشی و روایت عروسک سازده کوچولو کمک کند. عروسک «سازده کوچولو» با همان ویژگی‌هایی منحصر به فردش در داستان اگزوپری با بازی دهننگی اصولی و درست به یادآوری تصاویری که از پیش در ذهن مخاطب وجود دارد، منجر می‌شود. بی شک عروسک‌های این نمایش چه به لحاظ فرم و چه به لحاظ طراحی، حکایت از خلاقیت و نوآوری سازنده‌ی این عروسک‌ها می‌دهد. نمایش «سازده کوچولو» با بهره‌گیری از کشش و پتانسیل عظیم روایت و خط داستانی‌اش در هر فرهنگی تأثیری ژرف بر ذهن تماشاگرش می‌گذارد. این موضوع در هنرهای نمایشی به نسبت شیوه‌ی اجرایی، صحنه آرایی، نورپردازی و فضای اجرایی قدری میزان این تأثیر پذیری را تغییر می‌دهد. رمان اگزوپری در کنار اشاراتی که در بستر داستان اورژینال به ماهیت‌های معنوی و فلسفی حیات بشری دارد.

می‌بایست به جان بخشی این موجود غریب‌الوصف برای تماشاگری که نخستین بار است با آن برخورد می‌کند، کمک کند. پس لاریسا با نورپردازی متنوع و دقیقش و با استفاده از عروسک‌های خوش فرم و جالب‌بیننده را ناخوسته در بستر داستان قرار می‌دهد و اگر این بیننده زبان نمایش را هم درک کند، تأثیر نمایش بر مخاطب افزایش می‌یابد.

شاید اگر این نمایش با به‌کارگیری درست و کارگردانی فهم‌آمیز در فضایی محدودتر یا بهتر بگویم BlackBox روی صحنه می‌رفت، این تأثیر دو چندان نیز می‌شد. فرم حرکت و چرخش بازیگر نمایش در دهانه‌ی باز سالن اصلی تئاتر شهر شبیه به کات‌های متداوم یک سینماگر باشد که می‌خواهد تماماً تصاویر را تقطیع شده به تماشاگرش القا سازد، در صورتی که اجرای این اثر در تالاری کوچکتر می‌توانست به قوه بصری بیننده‌اش کمک کرده و آن را مشغول‌تر سازد. هر چند که چهره‌ی کوچک و روح پاک سازده کوچولو» در کنار عروسک‌هایی که باکمترین هزینه و در عین استفاده بهینه از پارچه، پلاستیک و چوب ساخته شده اند و حالا می‌توان آن را بدنه‌ی اصلی نمایش خواند. از آخرین ردیف‌های سالن اصلی قابل تشخیص هستند، اما این چهره از نزدیک دوست داشتنی‌تر و محبوب‌تر نبی خواهد شد.

نمایش مشازده کوچولو» که باز خوانی ولخوسکی است، نمایشی است که اصیل‌ترین و اساسی‌ترین پیام‌های نوشته‌ی اگزوپری را امانت داری کرده و شخصیت‌ها را در قاب‌هایی که مختص به وادی خود آنهاست عبوس کرده تا نشانه‌های بصری در فهم تماشاگر افزایش یابد. قاب‌هایی که شخصیت‌هایی چون مست در یک بطری، ریاضی دان در قفل، منجم را در کهکشان محبوس کرده تا این نشانه‌ها پیامی برای سفر «مسافر کوچولو» به زمین باشد. عروسک‌های، مار، روباه و گل سرخ در عین خلاقیت طراحی عروسک ساخته شده اند که بی شک شیوه‌در آفرینش یک عروسک با ابتدایی‌ترین ابزار است.

هر چند که نگارنده معتقد است، شاهکار «سازده کوچولو» یکی از تلخ‌ترین قصه‌های هستی است و با منشانی کاملاً فلسفی در تلاش است، در اهلی شدن موجودات موثرترین باشد بر چشمانی که تماشاگر آن هستند. لاریسا مانگا ساروا کوشیده است، تأثیر این نمایش را بر مخاطبش از هر قوم و فرهنگ افزایش دهد. این نکته را در استفاده‌ی بازی دهنده عروسک «سازده کوچولو» از دیالوگ‌های فارسی و طنین صدای منوچهر انور در سالن اصلی تئاتر شهر می‌توان دید.

در نهایت؛ نمایش «سازده کوچولو» به کارگردانی «لاریسا مانگا ساروا» عروسک را در خدمت اجرا برای فهم اهلیت بشر قرار داده و در صورت کوچک‌تر بودن فضا و مکان اجرا یقیناً این تأثیر چند برابر هم می‌شود.

یادداشتی بر نمایش سازده کوچولو

به کارگردانی «لاریسا مانگاساروا»

باید اهلی شد

مهدی عزیزی

An interview with Christian Makido
Playwright of African Story a work of Poland and Kenya

WE WANT TO GLOBALIZE OUR TRADITIONS

In the second day of the festival African Story of Christian Makido was staged. On this occasion we have interviewed with the writer of the work that is from Poland and Kenya at same time. It was performed in the second day in the grand hall of City Theater Complex.

How long are you working in the field of puppet theater?

Our troupe is working for about two decades. It is mostly a troupe for children and young adults, although we have some performances for the grown ups as well. Our troupe had many travels abroad. Countries like Finland, Pakistan, Turkey, Germany, Ukraine, Poland and Iran. In past years it was a larger group but now we are a troupe of two performers.

Why do you want to preserve the local and native puppets?

The past and traditions are our heritage. They are our identity and the roots of our ancestors. They help us for a better understanding and to a deep knowledge

about ourselves. Where have we come from and where we are heading. In Kenya there used to be some puppets and dolls that vanished in our time. We try to revive them, and preserve in our traditions in the age of globalization and make them global too. It is very good to have a global society in which all nations and races preserve their own beliefs and identities.



How did you know about the 11th International Puppet Theater Festival? And how come you were invited? What is your opinion about Iranian puppetry?

In a festival in Finland there was an Iranian troupe performing Anniversary Gift by Afshin Hashemi and Mr. Hashemi took a recorded version of this theater to the festival in Tehran. Now you are our host here in the 11th International Puppet Theater Festival. In Pakistan festival in 1996 I saw two Iranian plays, Adam and Eve and the other one was a shadow play. Both of them were fantastic.

The report of a workshop

PUPPET, MORE THAN AN OBJECT

Spanish puppeteer José Luis Navarro, who perform "Melancholy of Passing Time" in the festival, held workshop entitled "Puppet, More Than an Object" in the City Theater on September 5 here in Tehran. José Luis Navarro introduced himself and his troupe he said that first of all we should define the puppet, and make it clear that what is a puppet? For me every object can be a puppet, even a ball pen when it moves and is animated. Therefore there is no need that a puppet be a puppet or not. It can be any object. He added "Techniques of the movement is not important for me. The most important question is the way of its movements. There is no complete puppet. Because no puppet can move in all directions and can not do all movements. The puppet defines nature and kind of his movements." He said that "All puppet needs is a skillful hand and

the imagination of the puppeteer. There is no need to have a identity of puppet and man. It is enough to resemble the truthfulness."

Navarro added "First of all we should understand the puppet its capabilities." Considering the important point in making puppets he said that, "If a puppet doesn't look, it is dead. The puppet must look before any other action. The puppet makers make a big mistake on omitting the look of the puppet. The eyes of puppet are directly staring in manufactured ones. But in my hand made puppets there are eyes and looking" In the workshop he showed two puppets of his. One of them was made of a ball and an overcoat and its structure was in a way that it seems to have a look. Navarro said that a complete puppet is the one looking and thinking at the same time. And he must show it to the audience"

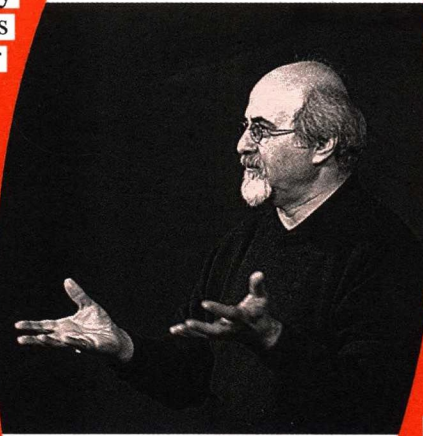
Bhrooz GHarib Pour:

OH GOD PLEASE

BURN ME NOT,

I AM FULL OF PUPPETS!

Till death separate us. I was in cradle laughing with thee! In the alleys of my childhood you were my secret sharer. I prefer nothing to your friendship, companion, partnership, relating my joys and sorrows to you only. You were my lover in the past and in old age, as well. You are not made of neither wood, nor clothes and woven. Your texture is of my soul and my heart. You are untold stories of my being .Oh puppets and marionettes! Oh stage and show box, you know that how many times I have been ridiculed. You know that how many times I have been killed. You are my sole witness in all my wandering like the homeless. I have gone to the temples, pagodas, churches to find a trace of yours I have ignored the sneers. Hey grandpa do you remember me? Hey detective 2 do you know me? Oh raven crying on your dead offspring do remember Behrooz Gharibpour? Oh citizens of Shookhabad, Shakhabad, Nishabad and Nooshabad do you remember me? Oh dragon of Rostam's Seven Labors is it possible to find a lover in your



long and huge body? Oh prince! the lover leaving the palace and comfortable life do you the man who worked painstakingly for a whole year and crying in riverbank of Zay-andehroud in Isfahan? Do you recall that I said till the death separate us and nothing can diminish the Love of my puppets? Oh dear Mobarak do you remember the dark alleys of the poor quarters of the town in old time? Do you remember Asghar Ahmadi? How about that damp storing hours with the only lantern .You told me to enliven you

Do you remember me following you and sheikh Ahmad Kahmsei and master Nenmatollah Abbasi ? Mobarak do you remember me recovering your old time glory? I spent my youth and my bearings for you. Do you remember my love and my enthusiasm in the flee market of the westernized dramatists and theater frequent visitors lead me toward you.

Hey Master Fewrdowski do you remember me in Mariontte workshop in Austria talking about you and Jerald Koobi of Czech Republic falling in love with you to show your old ailing face and torn heart? Hey mistress and dearest Tahmineh do you remember me venturing to find a suitable sad face of your suffering for love? Hey Rostam remember me....

oh Sohrab forget me not, I love you till death depart us .Till my last breath. Even after death in my passing over the Bridge of Serat. I'll take my horrible love into the purgatory. I will plead to God almighty asking for mercy not to be burnt in Hell .I will cry. Oh god do not burn me I am full of the puppets. You gave me this loving heart .My heart is full of alluring voices of the puppets

Oh God take pity on Behrooz.

ZOLFAGHARI'S QUEST

Dear Friends, The puppet theater festival tries to have diversities in its programs. A special program is scheduled for Saturday, September the Ninth, at 10:30 in Grand Hall of City THEATER Complex with all

participants and Behrooz Gharibpour and Massima Schuster. We are looking forward to meeting you there
All of you are most welcomed
Secretary of the Festival

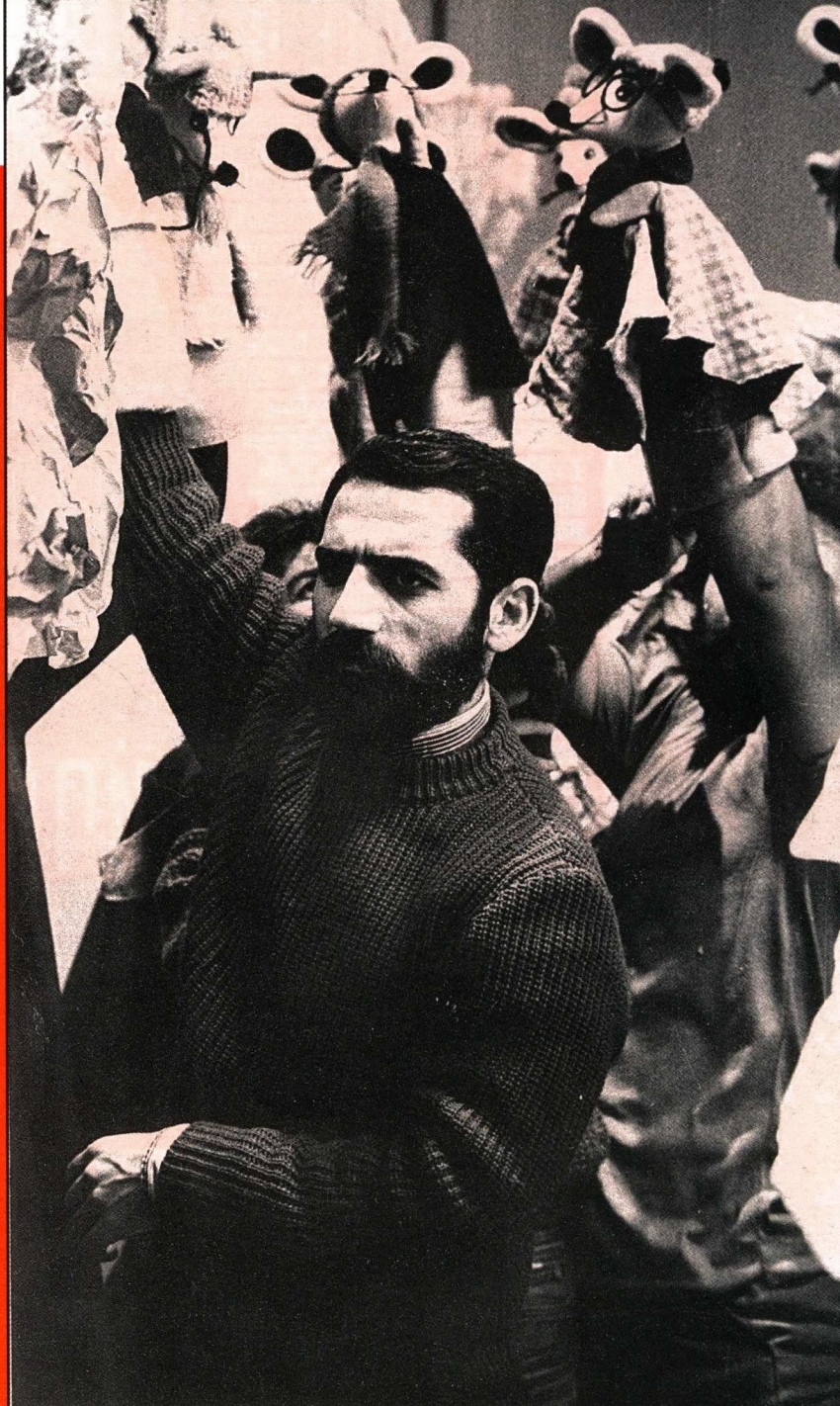


5

7 Sep
2006

Daily Bulletin of The 11th Tehran International Puppet Theater Festival – Mobarak

حمید جبلی
پشت صحنه مدرسه موش‌ها ۱۳۶۳



Dramatic Arts Center



گروه آموزشی هنرهای نمایشی
دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی



انجمن نمایش